



فهم فرایند تحول اقتصادی

داگلاس سی نورث.

www.ketab.ir

نورث، داگلاس سسیل، ۱۹۲۰ - ۲۰۱۵م.

(North, Douglass C. (Douglass Cecil

عنوان و نام پدیدآور: فهم فرایند تحول اقتصادی/داگلاس سی نورث : مترجمین میرسعید مهاجرانی، زهرا فرضی زاده.

وضعیت ویراست: ویراست ۳.

مشخصات نشر: تهران: موسسه غیر انتفاعی مطالعات دین و اقتصاد، نهادگرا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۸۶ ص.: نمودار : ۵/۲۱×۵/۱۶ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۴-۷۸-۸: ۴۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Understanding the process of economic change , c۲۰۰۵.

یادداشت: چاپ سوم.

موضوع: اقتصاد تکاملی

موضوع: Evolutionary economics

موضوع: اقتصاد -- جنبه‌های جامعه‌شناختی

موضوع: Economics -- Sociological aspects

موضوع: اقتصاد نهادی

موضوع: Institutional economics

شناسه افزوده: مهاجرانی، میرسعید، ۱۳۲۸ - مترجم

شناسه افزوده: فرضی زاده میاندهی، زهرا، ۱۳۶۰ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۳/ن۹۶۹۷/۳ HB

رده بندی دیویی: ۳۳۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۷۶۶۷

www.ketab.ir



تهران، خیابان ولی عصر، نرسیده به میدان

ولی عصر، خیابان دمشق، خیابان برادران

مظفرشمالی، شماره ۱۲۶.

تلفن: ۸۸۹۰۵۶۷۴-۸۸۹۰۵۶۰۷

فهم فرایند تحول اقتصادی . داگلاس سی نورث.

مترجمین: میرسعید مهاجرانی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین)

زهرا فرضی زاده (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

نهادگرا (وابسته به موسسه دین و اقتصاد)

طراحی گرافیک: غزال نوروزی

چاپ چهارم: زمستان ۱۴۰۱

قیمت: ۱۳۵۰۰۰ تومان

پیش‌گفتار ۸

سخن مترجمان ۲۷

پیش‌گفتار نویسنده ۳۳

فصل اول: طرح کلی فرایند تحول اقتصادی ۴۱

بخش اول: موضوعات مورد بحث درباره فهم تحول اقتصادی ۵۳

فصل دوم: عدم اطمینان در جهان در حال تغییر ۵۷

فصل سوم: نظام‌های باور، فرهنگ، و علوم شناختی ۷۱

فصل چهارم: آگاهی و قصدمندی انسان ۹۱

فصل پنجم: چارچوب‌هایی که انسان‌ها ایجاد می‌کنند ۱۰۵

فصل ششم: استفاده از ذخایر دانش گذشته ۱۲۷

بخش دوم: مسیر پیش‌رو ۱۴۷

فصل هفتم: محیط انسانی در حال تکامل ۱۵۳

فصل هشتم: ریشه‌های نظم و بی‌نظمی ۱۶۶

فصل نهم: تلقی صحیح و تلقی اشتباه ۱۸۲

فصل دهم: صعود دنیای غرب ۱۹۸

فصل یازدهم: صعود و افول اتحاد جماهیر شوروی ۲۲۲

فصل دوازدهم: بهبود عملکرد اقتصادی ۲۴۱

فصل سیزدهم: در حال رفتن به کجا هستیم؟ ۲۵۵

منابع ۲۶۱

در علوم اجتماعی و انسانی، هنگامی که بنابر ارائه تبیین‌های راه‌گشا از مسائل مبتلابه‌انسان‌ها و جوامع باشد، دو الگوی عمده وجود دارد که از دل آنها تبیین‌های قابل اعتنا و واجد ویژگی‌ها و اعتبار علمی ارائه می‌شود. دانیل لیتل در کتاب ارجمند "تبیین در علوم اجتماعی" که با ترجمه‌ای فاخر به فارسی‌زبانان تقدیم شده است، این دو الگوی عمده را با عناوین تبیین‌های "علت‌کاو" و تبیین‌های "دلیل‌کاو" معرفی می‌کند که اولی بر وجود مادی - معیشتی برای ارائه تبیین‌های عالمانه تاکید دارد و دومی وجوه معناشناختی را ارجح می‌شمارد.

شاید یکی از برجسته‌ترین نوآوری‌های نهادگرایان در کلیت خود و به ویژه نهادگرایان تاریخی آن باشد که به جای آن‌که به سنت تحلیل‌های نیوتونی، میان این دو الگو تباین و تغایر در نظر بگیرد، تلاش دارد تا با ارائه یک ترکیب خردمندانه از تبیین‌های علت‌کاو و دلیل‌کاو، سطح کارآمدتری از معرفت علمی را درباره امور مربوط به انسان و جامعه ارائه نماید.

یکی از موفق‌ترین کوشش‌ها در این زمینه کتاب حاضر قلمداد می‌شود که در زمره برجسته‌ترین آثاری است که اقتصاددان بزرگ فقید، داگلاس نورث در سال‌های پایانی عمر پر دستاورد خود به جامعه بشری تقدیم کرده، با این امتیاز برجسته که او برای عناصر دلیل‌کاوانه اولویت و اهمیت نسبی بیشتری قائل شده است. در فصل اول این کتاب او با رویکردی فرارشته‌ای تصریح می‌کند که "تحول اقتصادی" تابعی از سه مجموعه بنیادی از امور غیراقتصادی هستند که برای دستیابی به یک فهم روشمند، هر یک از آنها نظریه‌های خاص خود را می‌طلبد. این سه گروه تغییرات مورد نیاز از دیدگاه نورث عبارتند از: تحول در کمیت و کیفیت جمعیت، تغییر در ذخیره دانایی به ویژه دانش تسخیری و

ضمنی برای غلبه بر طبیعت و بالاخره تغییر در چارچوب نهادی که تعیین‌کننده ساختار تحول‌یافته‌انگیزی جامعه است. او در این مسیر برای "فرهنگ" و عنصر ایده‌ها و اندیشه‌ها نقشی زیربنایی در نظر می‌گیرد و بر این باور است که در مسیر شکل‌گیری ساختار نهادی موجود، که نیازمند تغییرات بنیادی برای نیل به توسعه است، با تقدم ایده‌ها و عقاید از سوی کارآفرینان سیاسی و اقتصادی روبه‌رو هستیم به ویژه آن گروه از ایشان که در جایگاه سیاست‌گذاری قرار دارند و در این صورت‌پردازی از وضع موجود، نورث بر این نکته صحیح و با اهمیت تاکید می‌کند که زیربنای اصلی شکل‌گیری وضع موجود، ایده‌ها، اندیشه‌ها و عقایدی هستند که لازمه هرگونه تحول در وضعیت اقتصادی جامعه، آن است که ابتدا آنها تغییر کنند و در مسیر این تغییر، دوباره با تقدم ایده‌ها و اندیشه‌ها و عقاید روبه‌رو هستیم. به عبارت دیگر از دیدگاه نورث برای ایجاد هرگونه تغییر توسعه‌گرا در حیطه اقتصادی حیات جمعی انسان‌ها، ابتدا باید یک صورت‌بندی اندیشه‌ای منضبط و روشمند از وضع مطلوب فراهم شده باشد تا تغییر مطلوب، قابلیت عینیت‌بخشی پیدا کند.

از دیدگاه نهادگرایان و در نظر یکی از قله‌های اندیشه‌ای این گروه از متفکران و نظریه‌پردازان توسعه، یعنی داگلاس نورث فقید، تاریخ و روش تاریخی در تحلیل نهادها جایگاه برجسته و ممتازی دارد که هم ریشه‌های فهم ضرورت تغییر و هم سازو کارهای تحقق آن را آشکارتر می‌سازد. از این زاویه است که نورث در کتاب ممتاز خود با عنوان نهادها تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی توسل به تاریخ اقتصادی را برای فهم چرایی و چگونگی شکل‌گیری سرنوشت موجود ضروری می‌داند و هم برای برون‌رفت از آن، تاریخ را به منزله مخزن‌الاسراری می‌داند که چگونگی این تغییر را به نحو شایسته‌ای بر ملا می‌سازد. او در صفحه ۲۰۶ ترجمه فارسی این اثر تصریح می‌کند که تاریخ اقتصادی را می‌بایست به‌مثابه تلاشی برای توضیح الگوهای مختلف رشد و رکود و زوال در نظر گرفت که تک‌تک جوامع در طول زمان دچار آن شده‌اند و از دل مراجعه به تاریخ و کاوش در باب این‌که کنش‌های متقابل آدمیان چگونه به نتایج متفاوتی منجر می‌شوند، می‌توان از واقعیت‌های موجود و مطلوب رمزگشایی نمود.

نهادگرایان تاریخی و به‌ویژه نویسنده ارجمند این کتاب از این زاویه یعنی برجسته کردن منزلت معرفت تاریخ اقتصادی، الگویی جدید از جایگاه رفیع تاریخ و معرفت تاریخی ارائه کرده‌اند. اگر به‌طور سنتی عالمان و کاوشگران علوم اجتماعی

و انسانی، تاریخ را به مثابه آئینه عبرت و ابزاری برای برون‌رفت از کاستی‌ها و محدودیت‌های الگوهای تک‌ساختی و تک‌سببی درباره تغییر اجتماعی در نظر می‌گرفتند، از دیدگاه نهادگرایان جدید، تاریخ را می‌بایست به مثابه ابزاری در نظر گرفت که امکان شناخت قیدهایی را فراهم می‌سازد که بر سر راه انتخاب‌های آینده وجود دارند. این نکته بدیع و منحصر به فرد است که متفکران پیشین هرگز تا این حد از قابلیت، قادر به ارائه روشمند آن نبوده‌اند. کلید بحث از دیدگاه نهادگرایان جدید آن است که هر انتخابی که پیشینیان در جهت تعیین مسیر نظام حیات جمعی انجام داده‌اند، به اعتبار عنصر سرنوشت‌ساز ایجاد وابستگی به مسیر طی شده، به مثابه قیدهایی و محدودیت‌هایی برای انتخاب‌های بعدی درمی‌آیند و تنها جوامعی می‌توانند از عهده امر خطیر تغییرات توسعه‌گرا برآیند که ابتدا این قیدها را شناسایی کرده و برخوردی بایسته برای بازکردن این قفل‌های تاریخی در سطح اندیشه و عمل به صورت برنامه‌ای تمهید نموده باشند.

نورث در فصل اول کتاب حاضر به ویژه با بهره‌گیری از ذخیره دانایی ارجمندی که میراث نظریه‌پرداز بزرگ توسعه در قرن بیستم و از پیشتانان نهادگرایان و برنده جایزه نوبل، یعنی گونار میردال، اقتصاددان فقید سوئدی بود، این مساله را در کادر علیت انباشتی یا علیت برهم فزاینده، صورت‌بندی جدیدی کرد و بر اساس آن تصریح کرد که تغییرات اقتصادی - اجتماعی هم به تحلیل تاریخی از چرایی "شکل‌گیری" وابستگی به مسیر و هم به تحلیل "چگونگی خروج از وابستگی به مسیر" بازمی‌گردد و این دو سطح بزرگ از نیازهای معرفتی به تحلیل تاریخی، به مثابه مرزهای مشترک و مورد توافق علت‌کاوان و دلیل‌کاوان نیازمند است. نورث برای صورت‌بندی بنیان‌های اندیشه‌ای موضوع تغییر نهادی، که قرار است نیروی محرکه تحول اقتصادی گردد، بر روی دو رکن اندیشه‌ای مساله تغییر نهادی پافشاری می‌کند؛ اول آن‌که بر محور نظام باورها، فرصت‌ها و تهدیدها شناسائی می‌شود و سپس بر اساس سطح و کیفیت شناختی که حاصل شده است، نسبت به تک‌تک آنها واکنش نشان داده خواهد شد.

از این زاویه نهادگرایان برای دستیابی به شناخت عالمانه و هر چه نزدیک‌تر به واقعیت در امور انسان و حیات جمعی او، جایگاه رفیع و منحصر به فردی برای

چارچوب نظری قائل می‌شوند و ایجاد واقع‌بینی در صورت‌بندی نظری واقعیت را رمز اصلی ارتقاء فهم ما از مساله و امکان‌پذیرکننده برون‌رفت از دورهای باطل توسعه‌نیافتگی در نظر می‌گیرند. در این مسیر یکی از مهم‌ترین کوشش‌های اصلاحی نهادگرایان، که شاید بزرگ‌ترین خدمت ایشان به معرفت اقتصادی و اندیشه توسعه محسوب می‌شود، تلاش آنها برای ایجاد واقع‌بینی در میان انسان‌ها در فرآیند انتخاب‌هایشان است. بنیادگرایان بازار برای دوره زمانی بسیار طولانی، اندیشه‌ورزان را با فرض غیرواقعی اطلاعات کامل دل‌مشغول و دل‌خوش کرده بودند اما نهادگرایان جدید در سطحی منحصر به فرد و خارق‌العاده تلاش کرده‌اند تا انسان‌ها و به ویژه نخبگان را از این توهم فرصت‌سوز و هزینه‌ساز خارج کنند. نهادگرایان جدید به صورتی روشمند و خارق‌العاده نشان دادند که انسان‌ها اطلاعات ناقصی دارند و دلیل اهمیت مساله عدم اطمینان‌ها هم همین نقص اطلاعات است که آنها را از دست زدن به هر نوع انتخابی بیم‌ناک می‌سازد. به عبارتی مهم‌ترین فلسفه وجودی نهادها و کوشش‌هایی که انسان‌ها در طول تاریخ برای نهادسازی کرده‌اند، همین است که از طریق نهادها بتوانند بر مانع‌تراشی عدم اطمینان‌ها برای امکان‌پذیری انتخاب‌ها غلبه پیدا کنند. در ادامه مسیر پرزحمت و البته پردستاوردی که نهادگرایان انتخاب کرده‌اند تا از جامعه بشری در زمینه برخورداری از اطلاعات کامل توهم‌زدائی کنند، نهادگرایان جدید نشان دادند که همین اطلاعات ناقص نیز از توزیع نامتقارنی برخوردار است که نیروی محرکه رفتارهای فرصت‌طلبانه و انتخاب‌های نادرست می‌شود و برای مواجهه با این مسائل است که روشن می‌شود چرا انسان‌ها برای پیش‌برد امر اقتصادی، هم به اخلاق نیازمندند و هم به یک طرف سوم در مبادله‌ها نیاز دارند که به دعاوی و اختلافات رسیدگی کند و با برطرف ساختن آنها امکان شکل‌گیری انتخاب‌ها را فراهم سازد. اگر این طرف سوم یعنی دولت قادر به رعایت بی‌طرفی در حل و فصل اختلاف‌ها باشد جامعه به سمت توسعه رهنمون می‌گردد و اگر نهاد دولت چنین صلاحیتی نداشته نباشد، جامعه را به سمت اضمحلال می‌کشاند.

یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ نهادگرایان این است که از نهاد دولت تابوزدائی و توهم‌زدائی کرده‌اند. نورث در کتاب ارجمند "ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی"، مضمونی را با عنوان پارادوکس دولت صورت‌بندی کرده